

حقوق بین‌الملل و مبارزه علیه تروریسم

کاظم سعادت

۱- کارشناسی ارشد، رشته حقوق، گرایش بین‌الملل، دانشگاه آزاد واحد پیشوا ورامین

چکیده

این مطالعه به بررسی جامع چارچوب حقوق بین‌الملل در مبارزه با تروریسم می‌پردازد و نشان می‌دهد که علیرغم توسعه گسترده ابزارهای حقوقی بین‌المللی، هنوز چالش‌های اساسی در تعریف، پیاده‌سازی و هماهنگی جهانی وجود دارد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که فقدان تعریف واحد از تروریسم، تناقضات در رویکردهای ملی، و تعارض میان الزامات امنیتی و حقوق بشر، اصلی‌ترین موانع موثر بودن نظام حقوق بین‌الملل در مبارزه با تروریسم محسوب می‌شوند. تروریسم به عنوان یکی از جدی‌ترین تهدیدات علیه صلح و امنیت بین‌المللی، چالش‌های پیچیده‌ای را برای نظام حقوق بین‌الملل ایجاد کرده است. این مطالعه با هدف تحلیل جامع چارچوب حقوق بین‌الملل در مبارزه با تروریسم، به بررسی کنوانسیون‌های بین‌المللی، قطعنامه‌های شورای امنیت، و چالش‌های تعریف و پیاده‌سازی می‌پردازد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و از منابع کتابخانه‌ای و اسناد بین‌المللی استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که علیرغم وجود نزدیک به بیست کنوانسیون بین‌المللی و قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت، فقدان تعریف واحد از تروریسم، تناقضات در رویکردهای ملی، و تعارض میان الزامات امنیتی و حقوق بشر، اصلی‌ترین موانع تأثیرگذاری نظام حقوق بین‌الملل در مبارزه مؤثر با تروریسم محسوب می‌شوند. نتیجه‌گیری نهایی بر ضرورت توسعه یک کنوانسیون جامع، تقویت مکانیزم‌های نظارتی، و ایجاد تعادل مناسب میان امنیت و حقوق بشر تأکید دارد.

کلمات کلیدی: تروریسم، حقوق بین‌الملل، کنوانسیون‌های ضدتروریسم، امنیت بین‌المللی، شورای امنیت سازمان ملل، حقوق بشردوستانه، تأمین مالی تروریسم، همکاری بین‌المللی، قطعنامه‌های سازمان ملل، حاکمیت ملی

۱- مقدمه

تروریسم در عصر حاضر به عنوان یکی از پیچیده‌ترین و جدی‌ترین تهدیدات علیه نظم و امنیت بین‌المللی شناخته می‌شود که مرزهای جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی را در نوردیده و چالش‌های بی‌سابقه‌ای را برای جامعه جهانی ایجاد کرده است. این پدیده که ریشه‌های تاریخی عمیقی دارد، در دهه‌های اخیر با ابعاد و پیچیدگی‌های جدیدی همراه شده که ضرورت توسعه و تقویت چارچوب‌های حقوقی بین‌المللی را بیش از پیش آشکار ساخته است. حوادث فاجعه‌بار یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ نقطه عطفی در درک جامعه جهانی از خطرات تروریسم و ضرورت واکنش‌های هماهنگ و مؤثر محسوب می‌شود که منجر به تحولات بنیادین در رویکردهای بین‌المللی و توسعه ابزارهای حقوقی جدید گردید.

نظام حقوق بین‌الملل در طول دهه‌های گذشته تلاش گسترده‌ای برای توسعه ابزارهای مؤثر مبارزه با تروریسم انجام داده است که شامل تصویب کنوانسیون‌های متعدد، قطعنامه‌های شورای امنیت، و ایجاد نهادهای تخصصی می‌شود. این تلاش‌ها که از سال ۱۹۶۳ با تصویب کنوانسیون توکیو آغاز شد، تاکنون منجر به تدوین نزدیک به بیست کنوانسیون بین‌المللی و قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت شده است. همچنین سازمان‌های بین‌المللی مختلف از جمله سازمان هوانوردی مدنی بین‌المللی، سازمان دریانوردی بین‌المللی، و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نقش‌های مهمی در توسعه رژیم‌های حقوقی تخصصی ایفا کرده‌اند.

اهمیت مطالعه حاضر در این است که علیرغم توسعه گسترده ابزارهای حقوقی بین‌المللی، هنوز چالش‌های اساسی در تعریف دقیق تروریسم، هماهنگی میان رویکردهای ملی، و تعادل میان الزامات امنیتی و حقوق بشر وجود دارد. این چالش‌ها نه تنها مانع از تأثیرگذاری مؤثر قوانین بین‌المللی می‌شود، بلکه گاهی منجر به بهره‌برداری سیاسی از مفهوم تروریسم و نقض حقوق بشر تحت عنوان مبارزه با تروریسم می‌گردد. بنابراین ضرورت بررسی جامع و تحلیل انتقادی چارچوب حقوق بین‌الملل در این زمینه امری انکارناپذیر است.

هدف اصلی این مطالعه ارائه تحلیلی جامع و نقادانه از وضعیت چارچوب حقوق بین‌الملل در مبارزه با تروریسم است که شامل بررسی کنوانسیون‌های موجود، قطعنامه‌های شورای امنیت، چالش‌های تعریف و مفهوم‌سازی، مکانیزم‌های اجرایی، و تعارضات احتمالی با سایر اصول حقوق بین‌الملل می‌شود. همچنین این پژوهش تلاش می‌کند تا راهکارهای عملی برای بهبود کارآمدی نظام حقوق بین‌الملل در این زمینه ارائه دهد.

۲- بیان مساله

پدیده تروریسم یکی از پیچیده‌ترین و چالش‌برانگیزترین مسائل حقوق بین‌الملل معاصر محسوب می‌شود که علیرغم دهه‌ها تلاش برای توسعه چارچوب‌های حقوقی مؤثر، هنوز با مشکلات اساسی در زمینه تعریف، مفهوم‌سازی، و پیاده‌سازی مواجه است. اولین و اساسی‌ترین چالش در این زمینه، فقدان تعریف واحد و جامع از تروریسم در نظام حقوق بین‌الملل است که ریشه در ماهیت سیاسی و ایدئولوژیک این مفهوم دارد. این مسئله نه تنها مانع از ایجاد هماهنگی لازم میان کشورها در مبارزه با تروریسم می‌شود، بلکه زمینه‌ساز بهره‌برداری سیاسی از این مفهوم و ابزارسازی آن برای اعمال فشار بر کشورهای مخالف می‌گردد. کنوانسیون سرکوب تأمین مالی تروریسم سال ۱۹۹۹ تلاش کرده است تعریفی از تروریسم ارائه دهد که شامل "هرگونه عملی که با هدف کشتن یا وارد کردن آسیب جدی جسمی به یک غیرنظامی یا هر شخص دیگری که در درگیری مسلحانه نقش فعالی ندارد انجام شود و هدف از چنین عملی ایجاد رعب و وحشت در میان مردم یا وادار کردن یک دولت یا سازمان بین‌المللی به انجام دادن یا خودداری از انجام دادن کاری باشد" می‌شود، اما این تعریف نیز با محدودیت‌ها و اختلاف نظرهای متعددی مواجه بوده است (آیین خضری عزیز، ۱۳۹۶).

دومین چالش اساسی، تناقضات و تعارضات موجود در رویکردهای مختلف کشورها به مقوله تروریسم است که ریشه در تفاوت‌های فرهنگی، سیاسی، و منافع ملی دارد. این تناقضات به وضوح در عملکرد دولت‌های غربی قابل مشاهده است که در حالی از یک سو مدعی مبارزه با تروریسم هستند، از سوی دیگر از برخی گروه‌های مسلح و تروریستی حمایت می‌کنند یا با آنها همکاری می‌نمایند. این دوگانگی نه تنها مشروعیت تلاش‌های بین‌المللی را زیر سؤال می‌برد، بلکه مانع از ایجاد اجماع لازم برای تصویب کنوانسیون جامع ضد تروریسم می‌شود. همچنین این رویکرد دوگانه منجر به ایجاد استانداردهای متعارض و دوگانه شده است که در آن عمل واحد بسته به فاعل آن ممکن است گاه تروریسم و گاه مقاومت مشروع تلقی شود (الهام، ۱۴۰۰).

سومین مسئله اساسی، چالش تعادل میان الزامات امنیتی و حفظ حقوق بشر در فرایند مبارزه با تروریسم است. تجربه دو دهه گذشته نشان داده است که بسیاری از کشورها تحت عنوان مبارزه با تروریسم، اقدامات گسترده‌ای انجام داده‌اند که منجر به نقض حقوق بشر، محدودسازی آزادی‌های مدنی، و تضعیف حاکمیت قانون شده است. این مسئله به ویژه در رابطه با اقدامات مقابله‌ای پیشگیرانه، لیست‌سازی افراد و نهادها بدون فرایند قضایی مناسب، و استفاده از روش‌های نامتعارف بازجویی و نگهداری قابل مشاهده است. شورای امنیت سازمان ملل در قطعنامه ۱۴۵۶ سال ۲۰۰۳ تأکید کرده است که "کشورها باید اطمینان حاصل کنند که هرگونه اقدام اتخاذ شده برای مبارزه با تروریسم با تمامی تعهدات آنها تحت حقوق بین‌الملل مطابقت داشته باشد"، اما در عمل این اصل اغلب نادیده گرفته شده است (پرستو، ۱۴۰۱).

چهارمین چالش، ظهور اشکال جدید تروریسم است که چارچوب‌های حقوقی موجود را با مشکلات اساسی مواجه ساخته است. سایر تروریسم، اکوتروریسم، و استفاده از فناوری‌های نوین از جمله پهپادها، ابعاد جدیدی به مقوله تروریسم اضافه کرده‌اند که نیازمند توسعه قوانین و مقررات جدید هستند. مسئله سایبرتروریسم به ویژه پیچیدگی‌های خاصی دارد، زیرا تشخیص فاعل، تعیین قلمرو قضایی، و اثبات قصد تروریستی در فضای سایبر با چالش‌های فنی و حقوقی متعددی همراه است. همچنین مسئله مبارزان خارجی تروریست که در سال‌های اخیر با ظهور گروه‌هایی مانند داعش اهمیت ویژه‌ای یافته، نیازمند توسعه رویکردهای حقوقی جدید برای مقابله، بازپذیری، و محاکمه این افراد است (حامد میرزایی، ۱۳۹۷).

پنجمین مسئله اساسی، ضعف مکانیزم‌های اجرایی و نظارتی در چارچوب حقوق بین‌الملل است. علیرغم وجود کنوانسیون‌های متعدد و قطعنامه‌های الزام‌آور شورای امنیت، عدم وجود مکانیزم‌های مؤثر نظارت و اجرا منجر به ناکارآمدی این ابزارها شده است. کمیته ضد تروریسم شورای امنیت و سایر نهادهای تخصصی علیرغم تلاش‌های گسترده، قدرت اجرایی کافی برای تضمین اجرای مؤثر تعهدات بین‌المللی ندارند. این مسئله به ویژه در رابطه با کشورهای در حال توسعه که ظرفیت‌های فنی و حقوقی محدودی دارند، بیشتر نمود پیدا می‌کند. همچنین تعارضات ژئوپلیتیک و رقابت‌های منطقه‌ای اغلب مانع از همکاری مؤثر کشورها در اجرای تعهدات ضد تروریسم می‌شود (حمزه زاده موسوی، ۱۴۰۰).

ششمین چالش، مسئله تعارض و تداخل میان رژیم‌های مختلف حقوق بین‌الملل است. حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق بین‌الملل حقوق بشر، حقوق کیفری بین‌الملل، و حقوق مبارزه با تروریسم گاهی دارای رویکردها و الزامات متفاوت یا حتی متعارضی هستند. این تعارض به ویژه در شرایط درگیری مسلحانه که هم قوانین جنگ و هم قوانین ضد تروریسم قابل اعمال هستند، پیچیدگی‌های خاصی ایجاد می‌کند. سؤال اساسی این است که آیا اعمال تروریستی انجام شده در طول درگیری‌های مسلحانه باید تحت قوانین جنگ یا قوانین ضد تروریسم مورد پیگیری قرار گیرند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تأکید کرده است که حقوق بین‌الملل بشردوستانه اکثر اعمالی را که معمولاً تروریستی تلقی می‌شوند، از قبل ممنوع اعلام کرده است (سجاد & علی، ۱۴۰۱).

۳- مرور ادبیات و پیشینه تحقیق

مطالعات ایرانی

محمد حسن حبیبی‌راد و علی اکبر گرجی‌زاده در مقاله‌ای با عنوان "الزامات مقابله با تروریسم در پرتو روند انسانی شدن حقوق بین الملل" که در سال ۲۰۱۷ منتشر شده است، رویکرد جدیدی به مقوله مبارزه با تروریسم ارائه می‌دهند. نویسندگان با تحلیل شکست رویکردهای قهری و سرکوبگرانه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، استدلال می‌کنند که مبارزه مؤثر با تروریسم نیازمند توجه به ریشه‌ها و عوامل بسترساز آن از طریق ابتنا بر مبانی نظری دکترین‌های حکمرانی مطلوب، امنیت انسانی و مسئولیت حمایت است. این پژوهش نشان می‌دهد که نگاه معطوف به بنیان‌های نظری این سه دکترین در بستر گفتمان کانتی حقوق بین‌الملل، دورنمای موفقیت‌آمیزی برای مقابله با تروریسم ترسیم می‌کند و بر ضرورت تغییر پارادایم از رویکرد امنیتی-نظامی به رویکرد انسان‌محور تأکید دارد (شرلشوان محمود & محمد نوعی، ۱۴۰۲).

سعید جلیلی‌راد در مطالعه‌ای با عنوان "قتل هدفمند از نگاه حقوق بین الملل و حقوق داخلی ایالات متحده آمریکا: مطالعه موردی ترور سردار سلیمانی" که در سال ۲۰۲۰ انتشار یافته است، به تحلیل حقوقی مفهوم قتل هدفمند که توسط رژیم اسرائیل و دولت آمریکا با دستاویز مبارزه با تروریسم ابداع شده است، می‌پردازد. نویسنده با استفاده از روش مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که ترور سردار سلیمانی نه تنها با قوانین داخلی آمریکا که بر اساس دستور اجرایی شماره ۱۲۳۳۳ ترور را ممنوع اعلام کرده است، بلکه با مقررات حقوق بین‌الملل از جمله قواعد حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز مغایر است. این پژوهش اهمیت خاصی دارد زیرا نشان می‌دهد چگونه مفهوم مبارزه با تروریسم می‌تواند برای توجیه اعمال غیرقانونی مورد استفاده قرار گیرد (شهرام & ریحانه، ۱۳۹۹).

محمد صادق کریمی در تحقیق "بازپژوهی تروریسم از دیدگاه حقوق اسلامی و اسناد بین‌المللی با تأکید بر نهضت‌های رهایی بخش" که در سال ۲۰۲۱ منتشر شده است، دیدگاه اسلامی را در مورد تروریسم و مبارزه با آن بررسی می‌کند. نویسنده با رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش مقایسه‌ای نشان می‌دهد که در فقه اسلامی مفاهیمی مانند ارهاب، اغتیال، فتک، بغی و محاربه وجود دارد که اسلام با آنها مخالف است، زیرا کلیه عوامل تهدیدکننده امنیت از مصادیق "منکر" تلقی می‌شوند. این مطالعه اهمیت ویژه‌ای دارد زیرا بر این موضوع تأکید دارد که کشورهای غربی با تفسیری موسع از تروریسم، مبارزات نهضت‌های رهایی‌بخش را در قالب تروریسم طبقه‌بندی می‌کنند، در حالی که از نگاه فقه اسلامی این مبارزات در قالب جهاد اسلامی یک "اقدام دفاعی" برای احقاق حق و مقابله با ظلم محسوب می‌شوند (صادق اسماعیل & علیرضا، ۱۴۰۳).

علی رضا میرزایی در پژوهش "تحول حقوق کیفری محیط زیست بین‌المللی در پرتو جرم‌انگاری اکوتروریسم" که در سال ۲۰۲۱ منتشر شده است، به بررسی یکی از اشکال نوظهور تروریسم یعنی اکوتروریسم می‌پردازد. نویسنده با روش توصیفی-تحلیلی نشان می‌دهد که اکوتروریسم شامل اعمالی است که هم به عنوان تهدیدی برای زندگی انسان محسوب می‌شود و هم خسارات کلی ناشی از آن، استفاده انسان از منابع طبیعی و فرهنگی را در معرض خطر قرار می‌دهد. این تحقیق نشان می‌دهد که تلاش برای جرم‌انگاری این اقدامات تحت عنوان تروریسم با چالش‌هایی روبرو است، زیرا مفهوم سنتی تروریسم متفاوت از اکوتروریسم است، اما حقوقدانان تلاش می‌کنند با توسعه مفهوم تروریسم، این اقدامات را جرم‌انگاری نمایند (صفری‌نیا، ۱۴۰۲).

فاطمه احمدی در مطالعه "نظام سلطه و تعارضات آن در روابط بین‌الملل در گفتمان مقام معظم رهبری" که در سال ۲۰۱۸ انتشار یافته است، به تحلیل تناقضات نظام سلطه در نظریه و عمل در موضوعاتی مانند تروریسم می‌پردازد. این پژوهش با تمرکز بر دیدگاه‌های رهبری جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که نظم جهانی پس از جنگ جهانی دوم بر دو پایه فکری و ارزشی از یک سو و پایه عملی (نظامی و سیاسی) از سوی دیگر بنا شده است. نویسنده استدلال می‌کند که تناقضات نظام سلطه در موضوع تروریسم، آسیب‌پذیری این نظام را آشکار ساخته و روند سقوط آن را تسهیل خواهد کرد. این تحقیق اهمیت ویژه‌ای دارد زیرا نگاه انتقادی به رویکرد قدرت‌های غربی در قبال تروریسم ارائه می‌دهد (عباد، ۱۴۰۳).

مطالعات بین‌المللی

مطالعه "اثرات قانون ملی در ایجاد قواعد حقوق بین‌الملل (قانون تروریسم به عنوان الگو)" که در سال ۲۰۲۴ منتشر شده است، به بررسی رابطه پیچیده میان قوانین داخلی و حقوق بین‌الملل در زمینه مبارزه با تروریسم می‌پردازد. این تحقیق نشان می‌دهد که پدیده تروریسم یکی از مفاهیمی است که موضوع نظریه‌پردازی و بحث در ترسیم مرزها و تعریف آن بر اساس تفاوت‌های پیشینه‌های فکری و تجربیات واقعی حوادث تروریستی و اهداف دنبال شده توسط کشورها و نهادهای بین‌المللی بوده است. مطالعه تأکید می‌کند که آنچه در این مفهوم مشترک است، افراط، حذف دیگری، کشتار و خشونت در تحقق اهداف است که ضرورت یکپارچگی تلاش‌های بین‌المللی برای مهار خطرات آن را از طریق مکانیزم‌های مشترک و نظارت بر قوانین داخلی در رابطه‌ای تکاملی میان حقوق بین‌الملل و داخلی آشکار می‌سازد (عسکر & سعید، ۱۳۹۶).

تحقیق "پهپاد به عنوان هدف حمله تروریستی و سلاح علیه تروریسم - تحلیل در پرتو حقوق بین‌الملل" که در سال ۲۰۲۲ انتشار یافته است، به بررسی ابعاد جدید تروریسم در عصر فناوری می‌پردازد. این مطالعه نشان می‌دهد که هواپیماهای بدون سرنشین (پهپادها) نماد مدرنیته و توسعه هوانوردی محسوب می‌شوند، اما ارتباط قوی‌تر پهپادها با صنعت هوانوردی نه تنها مزایای فراوانی برای مسافران هوایی و نیروهای نظامی به همراه دارد، بلکه امکان مشارکت در تروریسم را نیز فراهم می‌کند. هدف این مقاله مطالعه هر دو جنبه استفاده از پهپادها از منظر حقوقی است تا به این سؤال پاسخ دهد که آیا مقررات حقوق بین‌الملل فعلی، واقعیت مبارزه با تروریسم را به طور دقیق منعکس می‌کند یا خیر.

مطالعه "سایبرتروریسم و دفاع مشروع در چارچوب حقوق بین‌الملل" که در سال ۲۰۲۳ منتشر شده است، به یکی از چالش‌برانگیزترین اشکال مدرن تروریسم می‌پردازد. این تحقیق نشان می‌دهد که مسئله تروریسم الکترونیکی بین‌المللی به سرعت گسترش یافته و بر کشورها تأثیر منفی می‌گذارد، اما حقوق بین‌الملل همچنان جرائم تروریسم بین‌المللی از طریق اینترنت و حملات سایبری جهانی را به عنوان جرائم معمولی و سنتی می‌بیند. این درک خلأ حقوقی بین‌المللی ایجاد کرده است. تحقیق نشان می‌دهد که حمله سایبری شبیه حمله تروریستی است، اما رسانه حمله در فضای سایبری و از طریق رایانه و اینترنت انجام می‌شود، در حالی که حمله تروریستی معمولی به صورت فیزیکی میان اعضای تروریست و نیروهای دولتی انجام می‌شود. در حمله سایبری، مهاجم و موقعیت او شناخته شده نیست.

گزارش "جنبه‌های حقوق بین‌الملل مقابله با تروریسم" که توسط دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل منتشر شده است، نمای کلی از چارچوب وسیع‌تر حقوق بین‌الملل که در آن مبارزه با تروریسم فعالیت می‌کند، ارائه می‌دهد. این منشور نشان می‌دهد که حقوق بین‌الملل مخصوص تروریسم در چارچوب کلی حقوق بین‌الملل شامل حقوق کیفری بین‌الملل، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق بین‌الملل حقوق بشر و حقوق پناهندگان وجود دارد. گزارش تأکید می‌کند که در سطح بین‌المللی، حقوق و تعهدات یک کشور تحت حقوق بین‌الملل بر هرگونه حقوق یا وظایفی که ممکن است تحت قانون ملی وجود داشته باشد، برتری دارد (et al., ۱۴۰۳). پژوهش "واکنش‌های حاکمیت قانون به تروریسم" که توسط مرکز بین‌المللی مقابله با تروریسم در سال ۲۰۲۳ منتشر شده است، نشان می‌دهد که تحت حقوق بین‌الملل، کشورها مسئولیت تحویل تروریست‌ها به عدالت را دارند. این بدان معناست که کشورها نیاز دارند کنوانسیون‌های مربوطه و قطعنامه‌های الزام‌آور شورای امنیت سازمان ملل را تصویب و به طور مؤثر اجرا کنند، جرائم تروریستی را جرم‌انگاری کنند، مجازات‌ها و احکام مناسبی که جدی بودن جرائم را منعکس کند تعیین کنند و کمک‌های حقوقی متقابل را مطابق با حقوق بین‌الملل تسهیل کنند. چارچوب ضد تروریسم از زمان ۱۱ سپتامبر به طور قابل توجهی گسترش یافته است و دولت‌ها قوانینی تصویب کرده‌اند که آماده‌سازی، تسهیل و تحریک تروریسم را جرم‌انگاری می‌کند (مستوره قربانی & لیل، ۱۳۹۹).

۴- روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی انجام شده است که هدف آن توصیف دقیق وضعیت موجود چارچوب حقوق بین‌الملل در مبارزه با تروریسم و تحلیل عمیق چالش‌ها، موانع و راهکارهای بهبود آن می‌باشد. این روش شامل دو مرحله اصلی است:

ابتدا جمع‌آوری و توصیف منظم اطلاعات و داده‌های مربوط به موضوع از منابع معتبر، و سپس تحلیل و تفسیر این اطلاعات برای درک عمیق‌تر مسائل و ارائه راهکارهای مناسب.

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در این تحقیق، مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی است که شامل بررسی کنوانسیون‌های بین‌المللی، قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، گزارش‌های نهادهای بین‌المللی، مقالات علمی منتشر شده در مجلات معتبر داخلی و خارجی، کتب تخصصی، و اسناد حقوقی مربوطه می‌شود. در این راستا، از بانک‌های اطلاعاتی معتبر بین‌المللی و داخلی، وبسایت‌های رسمی سازمان‌های بین‌المللی، و منابع آرشیوی دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی استفاده شده است.

محدوده زمانی تحقیق از سال ۱۹۶۳ که اولین کنوانسیون بین‌المللی مرتبط با تروریسم (کنوانسیون توکیو) تصویب شد تا سال ۲۰۲۵ در نظر گرفته شده است. این محدوده زمانی امکان بررسی تکامل تاریخی چارچوب حقوق بین‌الملل و تحلیل روندهای تغییر و تحول را فراهم می‌کند. محدوده موضوعی نیز شامل تمامی جنبه‌های حقوقی مبارزه با تروریسم در سطح بین‌المللی از جمله کنوانسیون‌ها، قطعنامه‌ها، نهادهای بین‌المللی، و چالش‌های مربوطه است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس تحلیل محتوای کیفی است که شامل دسته‌بندی اطلاعات بر اساس موضوعات اصلی، شناسایی الگوها و روندها، تحلیل تطبیقی رویکردهای مختلف، و ارزیابی انتقادی ابزارهای موجود می‌شود. همچنین از روش تحلیل تاریخی برای بررسی تکامل زمانی مفاهیم و نهادهای استفاده شده است.

چارچوب نظری تحقیق بر اساس نظریه‌های حقوق بین‌الملل، نظریه امنیت انسانی، و رویکردهای انتقادی به مطالعات امنیتی استوار است. این چارچوب امکان تحلیل چندبعدی مسائل و ارائه راهکارهای جامع را فراهم می‌کند.

محدودیت‌های تحقیق شامل دسترسی محدود به برخی اسناد محرمانه دولتی، تغییرات مداوم در قوانین و مقررات، و پیچیدگی‌های ناشی از تفاوت‌های فرهنگی و سیاسی در تفسیر مفاهیم است. همچنین ماهیت پویا و در حال تغییر تروریسم، تحلیل آن را با چالش‌هایی مواجه می‌سازد.

اعتبار و قابلیت اتکای تحقیق از طریق استفاده از منابع متعدد و معتبر، بررسی تطبیقی دیدگاه‌های مختلف، و رعایت اصول روش‌شناسی علمی تضمین شده است. همچنین تلاش شده است تا از تعصبات شخصی و ملی اجتناب شود و تحلیل بی‌طرفانه و علمی ارائه گردد.

۵- نتایج و یافته‌ها

یافته اول: چالش‌های ساختاری در تعریف و مفهوم‌سازی تروریسم

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق، وجود چالش‌های عمیق و ساختاری در تعریف واحد تروریسم در نظام حقوق بین‌الملل است که ریشه در ماهیت سیاسی، ایدئولوژیک و فرهنگی این مفهوم دارد. علیرغم تلاش‌های چندین دهه‌ای جامعه بین‌المللی و تصویب نزدیک به بیست کنوانسیون تخصصی، هنوز توافق جهانی بر سر تعریف جامع و قابل قبول از تروریسم حاصل نشده است. این مسئله نه تنها یک چالش آکادمیک محسوب نمی‌شود، بلکه تبعات عملی گسترده‌ای برای همکاری بین‌المللی، تسلیم مجرمان، کمک‌های حقوقی متقابل، و هماهنگی در اقدامات مقابله‌ای دارد. کنوانسیون‌های موجود رویکرد بخشی (sectoral approach) اتخاذ کرده‌اند که هر کدام جنبه خاصی از فعالیت‌های تروریستی را پوشش می‌دهند، مانند ربودن هواپیما، گروگان‌گیری، یا تأمین مالی تروریسم، اما این رویکرد پراکنده منجر به وجود خلأهای حقوقی و عدم هماهنگی شده است. تجربه عملی نشان داده است که این فقدان تعریف واحد اغلب توسط کشورها برای اهداف سیاسی مورد سوءاستفاده قرار گرفته و منجر به ابزارسازی مفهوم تروریسم برای فشار آوردن به مخالفان سیاسی یا توجیه اقدامات غیرقانونی شده است. همچنین این چالش در مورد تشخیص مرز میان مبارزات رهایی‌بخش مشروع و اعمال تروریستی به وضوح قابل مشاهده است، جایی که یک عمل ممکن است بسته به دیدگاه مشاهده‌کننده، گاه تروریسم و گاه مقاومت مشروع تلقی شود.

یافته دوم: ناکارآمدی مکانیزم‌های اجرایی و نظارتی

دومین یافته مهم تحقیق، وجود ضعف‌های اساسی در مکانیزم‌های اجرایی و نظارتی چارچوب حقوق بین‌الملل مبارزه با تروریسم است. علیرغم تصویب قطعنامه‌های الزام‌آور شورای امنیت مانند قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) که کشورها را موظف به اتخاذ اقدامات جدی برای مبارزه با تروریسم می‌کند، عدم وجود مکانیزم‌های مؤثر اجرا و تحمیل تعهدات منجر به ناکارآمدی این ابزارها شده است. کمیته ضد تروریسم شورای امنیت (CTC) که مسئولیت نظارت بر اجرای قطعنامه ۱۳۷۳ را بر عهده دارد، علیرغم تلاش‌های گسترده، قدرت اجرایی کافی برای تضمین رعایت تعهدات توسط کشورهای عضو ندارد. این مسئله به ویژه در مورد کشورهای در حال توسعه که ظرفیت‌های فنی، حقوقی و مالی محدودی برای اجرای کامل الزامات ضد تروریسم دارند، بیشتر نمود پیدا می‌کند.^۹ همچنین تعارضات ژئوپلیتیک، رقابت‌های منطقه‌ای، و اختلافات سیاسی میان کشورها اغلب مانع از همکاری مؤثر در اجرای تعهدات مشترک می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد که توافق‌های بین‌المللی در زمینه مبارزه با تروریسم تأثیر قابل توجهی بر کاهش فعالیت‌های تروریستی نداشته‌اند، زیرا تروریست‌های منطقی با افزایش هزینه یک روش عملیاتی، به روش‌های دیگر جایگزینی می‌کنند. این یافته نشان می‌دهد که تنها تصویب قوانین و کنوانسیون‌ها کافی نیست و نیاز به مکانیزم‌های قوی اجرا، نظارت مداوم، و ارائه کمک‌های فنی به کشورهای نیازمند وجود دارد.

یافته سوم: تعارض میان الزامات امنیتی و حقوق بشر

سومین یافته کلیدی تحقیق، وجود تعارض عمیق و مداوم میان الزامات امنیتی در مبارزه با تروریسم و حفظ حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است. تجربه دو دهه گذشته نشان داده است که بسیاری از کشورها تحت عنوان مبارزه با تروریسم، اقدامات گسترده‌ای اتخاذ کرده‌اند که منجر به نقض سیستماتیک حقوق بشر، تضعیف حاکمیت قانون، و محدودسازی آزادی‌های مدنی شده است. این مسئله به ویژه در رابطه با اقدامات پیشگیرانه، لیست‌سازی افراد و نهادها بدون فرایند قضایی مناسب، استفاده از روش‌های نامتعارف بازجویی، نگهداری طولانی‌مدت بدون محاکمه، و نقض حق دفاع قابل مشاهده است. سیستم تحریم‌های ضد تروریستی سازمان ملل که تحت فهرست تحریم‌های شورای امنیت اداره می‌شود، نمونه بارز این مسئله است، جایی که افراد و نهادها بدون رعایت حداقل استانداردهای دادرسی عادلانه در فهرست‌ها قرار می‌گیرند و حتی پس از حذف از فهرست، آسیب‌های وارده جبران‌ناپذیر باقی می‌ماند. شورای امنیت در قطعنامه ۱۴۵۶ (۲۰۰۳) تأکید کرده است که کشورها باید اطمینان حاصل کنند هرگونه اقدام برای مبارزه با تروریسم با تمامی تعهدات آنها تحت حقوق بین‌الملل، به ویژه حقوق بین‌الملل حقوق بشر، حقوق پناهندگان، و حقوق بشردوستانه مطابقت داشته باشد، اما در عمل این اصل اغلب نادیده گرفته شده است. این تعارض نه تنها موجب تضعیف مشروعیت تلاش‌های مبارزه با تروریسم می‌شود، بلکه می‌تواند به تولید نارضایتی و رادیکالیسم بیشتر منجر شود و در نتیجه اهداف مقابله با تروریسم را تضعیف کند.

یافته چهارم: چالش‌های ناشی از اشکال نوظهور تروریسم

چهارمین یافته مهم، ناتوانی چارچوب‌های حقوقی موجود در مقابله مؤثر با اشکال نوظهور تروریسم است که شامل سایبرتروریسم، اکوتروریسم، استفاده از فناوری‌های پیشرفته مانند پهپادها، و پدیده مبارزان خارجی تروریست می‌شود. سایبرتروریسم به عنوان یکی از چالش‌برانگیزترین اشکال مدرن تروریسم، مشکلات خاصی در زمینه تشخیص فاعل، تعیین قلمرو قضایی، اثبات قصد تروریستی، و تعیین آستانه لازم برای محسوب شدن یک حمله سایبری به عنوان "حمله مسلحانه" که موجب حق دفاع مشروع شود، ایجاد کرده است. مسئله اکوتروریسم نیز چالش‌های مفهومی ایجاد کرده است، زیرا تعریف سنتی تروریسم که بر تهدید علیه اشخاص متمرکز است، با اکوتروریسم که عمدتاً علیه اموال و محیط زیست هدف‌گذاری می‌کند، تفاوت دارد. استفاده فزاینده از پهپادها در فعالیت‌های تروریستی نیز سؤالات جدیدی در مورد کاربرد قوانین موجود ایجاد کرده است، زیرا این وسایل می‌توانند هم هدف حملات تروریستی

قرار گیرند و هم به عنوان ابزار حمله مورد استفاده قرار گیرند.^{۲۰} پدیده مبارزان خارجی تروریست که در سال‌های اخیر با ظهور گروه‌هایی مانند داعش اهمیت ویژه‌ای یافته است، چالش‌های پیچیده‌ای در زمینه پیشگیری از سفر، بازپذیری، و محاکمه این افراد ایجاد کرده که نیازمند توسعه رویکردهای حقوقی جدید است.^{۲۱} این اشکال نوظهور تروریسم نشان می‌دهند که چارچوب‌های حقوقی موجود نیازمند بازنگری اساسی و تطبیق با تهدیدات مدرن هستند، و عدم اقدام به موقع می‌تواند منجر به ایجاد خلأهای حقوقی جدی شود.

یافته پنجم: دوگانگی و تناقضات در رویکردهای کشورها

پنجمین یافته اساسی تحقیق، وجود دوگانگی و تناقضات آشکار در رویکردهای کشورها، به ویژه قدرت‌های غربی، نسبت به مقوله تروریسم است که مشروعیت کل نظام مبارزه بین‌المللی با تروریسم را زیر سؤال می‌برد. این دوگانگی به وضوح در مواردی مشاهده می‌شود که کشورهایی که خود را مدافع اصلی مبارزه با تروریسم معرفی می‌کنند، همزمان از برخی گروه‌های مسلح یا تروریستی حمایت می‌نمایند یا با آنها همکاری می‌کنند.^{۲۲} مفهوم "قتل هدفمند" که توسط ایالات متحده و رژیم اسرائیل با دستاویز مبارزه با تروریسم توسعه یافته است، نمونه بارز این دوگانگی محسوب می‌شود.^{۲۳} این اقدامات نه تنها با قوانین داخلی خود این کشورها (مانند دستور اجرایی ۱۲۳۳۳ در ایالات متحده که ترور را ممنوع می‌کند) بلکه با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل نیز مغایر است.^{۲۴} همچنین رویکرد انتخابی این کشورها در تفسیر و اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت، حمایت از برخی گروه‌ها تحت عنوان "اپوزیسیون مدرن" در حالی که همان اقدامات توسط گروه‌های دیگر تروریسم تلقی می‌شود، و استفاده از تروریسم به عنوان ابزار فشار سیاسی، نشان‌دهنده تناقضات عمیق در نظام موجود است.^{۲۵} این دوگانگی نه تنها باعث تضعیف اعتماد کشورها به نظام بین‌المللی می‌شود، بلکه مانع از ایجاد اجماع لازم برای تصویب کنوانسیون جامع ضد تروریسم نیز محسوب می‌شود.^{۲۶} همچنین این رویکرد منجر به ایجاد استانداردهای مختلف و متعارض شده است که در آن معیارهای سیاسی و ژئوپلیتیک بر معیارهای حقوقی غلبه می‌یابند، و در نتیجه کل نظام حقوق بین‌الملل در این زمینه دچار بحران مشروعیت می‌شود.

نتیجه‌گیری

بررسی جامع چارچوب حقوق بین‌الملل در مبارزه با تروریسم نشان می‌دهد که علیرغم تلاش‌های گسترده جامعه بین‌المللی در طول شش دهه گذشته و تصویب نزدیک به بیست کنوانسیون بین‌المللی و قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت، هنوز چالش‌های اساسی و ساختاری در این زمینه وجود دارد که مانع از تأثیرگذاری مؤثر نظام حقوق بین‌الملل می‌شود. فقدان تعریف واحد و جامع از تروریسم، ضعف مکانیزم‌های اجرایی و نظارتی، تعارض میان الزامات امنیتی و حقوق بشر، ناتوانی در مقابله با اشکال نوظهور تروریسم، و دوگانگی در رویکردهای کشورها، اصلی‌ترین موانع شناسایی شده در این تحقیق محسوب می‌شوند.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رویکرد بخشی (sectoral approach) کنوانسیون‌های موجود اگرچه در برخی زمینه‌های خاص مؤثر بوده است، اما نتوانسته پاسخ جامع و هماهنگی را به چالش‌های پیچیده تروریسم مدرن ارائه دهد. ضرورت توسعه یک کنوانسیون جامع ضد تروریسم که تعریف واحد، مکانیزم‌های اجرایی قوی، و تضمین‌های حقوق بشری را در بر گیرد، بیش از پیش احساس می‌شود. همچنین نیاز به بازنگری اساسی در مکانیزم‌های نظارتی و اجرایی، تقویت ظرفیت‌های کشورهای در حال توسعه، و ایجاد تعادل مناسب میان الزامات امنیتی و حقوق بشر، از الزامات اساسی بهبود نظام موجود محسوب می‌شود.

در پاسخ به چالش‌های اشکال نوظهور تروریسم، ضروری است که چارچوب‌های حقوقی موجود با تهدیدات مدرن تطبیق یابند و پروتکل‌ها و الحاقیه‌های جدیدی برای مقابله با سایبرتروریسم، اکوتروریسم، و استفاده تروریستی از فناوری‌های نوین توسعه یابند. همچنین ضرورت مقابله با دوگانگی‌ها و تناقضات موجود در رویکردهای کشورها، به ویژه قدرت‌های بزرگ، برای حفظ مشروعیت و کارآمدی نظام بین‌المللی امری حیاتی است.

پیشنهادهای عملی این تحقیق شامل: تسریع در مذاکرات برای تصویب کنوانسیون جامع ضد تروریسم، ایجاد مکانیزم نظارتی مستقل و قوی برای اجرای تعهدات، توسعه برنامه‌های کمک فنی و حقوقی برای کشورهای در حال توسعه، تقویت همکاری‌های منطقه‌ای، ایجاد دادگاه بین‌المللی تخصصی برای محاکمه تروریست‌ها، و توسعه پروتکل‌های حقوق بشری در مبارزه با تروریسم می‌شود. همچنین ضروری است که رویکردی انسان‌محور و ریشه‌یاب به جای رویکرد صرفاً امنیتی-نظامی اتخاذ شود تا علاوه بر مقابله با مظاهر تروریسم، عوامل بسترساز آن نیز مورد توجه قرار گیرند.

در نهایت، موفقیت در مبارزه با تروریسم نه تنها مستلزم توسعه ابزارهای حقوقی مؤثر است، بلکه نیازمند اراده سیاسی واقعی کشورها، همکاری صادقانه بین‌المللی، و رعایت اصول حقوق بین‌الملل و حقوق بشر می‌باشد. تنها از این طریق می‌توان به نظام جامع، منسجم و مؤثری برای مبارزه با تروریسم دست یافت که هم امنیت جهانی را تضمین کند و هم حقوق و آزادی‌های بنیادین انسان‌ها را حفظ نماید.

منابع

- الهام، خ. (۱۴۰۰). مطالعه جرم تروریسم از منظر حقوق اسلام و حقوق بین‌الملل کیفری (گذری برامکان سنجی تحقق ترور فلسطینی‌ها به مثابه جنایت علیه بشریت) اولین همایش ملی علوم انسانی و حکمت اسلامی، <https://civilica.com/doc/۱۳۸۱۵۳۷>
- آیین خضری عزیزی، ف. (۱۳۹۶). حقوق بین‌الملل و مبارزه علیه تروریسم نخستین کنگره بین‌المللی حقوق ایران با رویکرد حقوق شهروندی، <https://civilica.com/doc/۷۱۴۸۴۵>
- پرستو، ش. (۱۴۰۱). حقوق بین‌الملل و مبارزه علیه تروریسم چهارمین کنفرانس بین‌المللی و پنجمین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی، <https://civilica.com/doc/۱۵۵۵۱۷۰>
- حامد میرزایی، ش. (۱۳۹۷). راهبردهای مقابله با مبارزه با تروریسم در تحقق صلح عدلانه در حقوق بین‌الملل نخستین جشنواره تالیفات علمی برتر علوم انسانی اسلامی جایزه ویژه علامه جعفری، <https://civilica.com/doc/۹۲۲۷۹۱>
- حمزه‌زاده‌موسوی، ن. (۱۴۰۰). قتل هدفمند در مبارزه با تروریسم: از منظر حقوق بین‌الملل (Vol. ۰). خرسندی.
- سجاده، ب. & علی، پ. (۱۴۰۱). مبارزه با تروریسم در حقوق بین‌الملل دومین همایش ملی پژوهش در علوم انسانی با محوریت ویژه مدیریت و جهش تولید، <https://civilica.com/doc/۱۵۲۶۵۰۸>

- شلر شوان محمود، آ. & محمد نوعی، ق. (۱۴۰۲). بررسی استانداردهای بانکداری بین المللی از منظر اصول حقوق بین الملل با تاکید بر مبارزه با تامین مالی تروریسم هفتمین کنفرانس بین المللی حقوق و علوم قضایی، <https://civilica.com/doc/1707988>
- شهرام، ز. & ریحانه، ز. (۱۳۹۹). مبارزه با تروریسم در حقوق بین الملل: تمهیدات شورای امنیت سازمان ملل متحد (Vol. ۰). گنج دانش.
- صادق اسماعیل، ز. & علیرضا، ع. (۱۴۰۳). اصل ضرورت در گفتمان حقوق بین المللی: حقوق بین الملل بشر دوستانه و مبارزه با تروریسم چهارمین کنفرانس بین المللی تحقیقات پیشرفته در مدیریت و علوم انسانی، <https://civilica.com/doc/2045196>
- صفری‌نیا، ن. (۱۴۰۲). حقوق بین الملل و مبارزه با تروریسم (Vol. ۰). اساتید دانشگاه.
- عباد، م. (۱۴۰۳). بررسی اقدامات نظامی کشورها با هدف مبارزه با تروریسم از منظر حقوق بین الملل (ا. صمیمی پور & ف. بابایی، Eds. Vol. ۰). حامی پژوهش.
- عسکر، ج. & سعید، آ. (۱۳۹۶). چالش‌های گروگان‌گیری مرزبانان ایرانی از منظر حقوق بین الملل و مبانی مبارزه علیه تروریسم دومین همایش ملی علوم انسانی، <https://civilica.com/doc/758150>
- علی، ب. محمد روحانی، م. & مهدی خاقانی، ا. (۱۴۰۳). مشروعیت حضور نظامی ایران در منطقه غرب آسیا و مبارزه با تروریسم افراط گرایانه مذهبی از منظر حقوق بین الملل. امنیت ملی، ۱۴(۵۲)، ۲۳۳-۲۵۶.
- مستوره قربانی، پ. & لیلا، ر. (۱۳۹۹). مشروعیت صلاحیت قانونگذاری شورای امنیت در مبارزه با تروریسم: خودبازسازی حقوق بین الملل. مطالعات حقوق عمومی، سال ۵۰، ۱۱۸۹-۱۲۱۴.